



«وطن امروز» در ششمین سالگرد امضای برجام تبعات اقتصادی و سیاسی این توافق را بررسی کرد

برجام دستاورد پایداری در حوزه اقتصاد نداشت و حرکت کشور برای اصلاحات ساختاری اقتصاد و حل مشکلات معیشتی را معطل گذاشت

افیون برجام

تبدیل سیاست خارجی از امر ملی به مسأله‌ای جناحی و ایجاد دوقطبی سیاسی از تبعات برجام در فضای سیاسی - اجتماعی کشور بود

صفحات ۲ و ۳



کشف چهارمین گور جمعی کودکان در کانادا در ۲ ماه اخیر

گور حقوق بشر در کانادا

با پیدا شدن گور جمعی جدید در بریتیش کلمبیا شمار گورهای ثبت شده در کانادا به بیش از ۴۰ مورد و تعداد قربانیان به بیش از ۱۱۰۰ نفر رسید

صفحه ۷

تیتراهای امروز

دیدار رؤسای دستگاه‌های اطلاعاتی و نظارتی کشور با رئیس‌جمهور منتخب

جلسه‌های علیه فساد



صفحه ۲

«وطن امروز» گزارش می‌دهد: دلیل رشد آمار ازدواج از زمان شیوع کرونا در کشور چیست؟

ازدواج بدون تجملات

صفحه ۴

در حوزه بهداشت و درمان، استان با مشکل کمبود نیرو و ضعف زیرساختی روبه‌رو است

سیستان و بلوچستان در محاصره کرونا

صفحه ۴

طالبان: اگر نظامیان ترکیه در این کشور باقی بمانند حکم اشغالگر را خواهند داشت

اعلام جهاد طالبان علیه ترکیه

صفحه ۷

گفت‌وگو «وطن امروز» با محمدعلی آقامیرزایی نویسنده کتاب خاطرات سرلشکر سفوی

روایت یحیی

صفحه ۸

نگاه

حوادث فوتبال اروپا و پرده برداری از انحطاط اخلاقی غرب

دکتر غلامرضا منتظری*



بازی تیم‌های ملی ایتالیا و انگلیس و حواشی اخلاقی آن، بار دیگر حقیقت جوامع غربی را در پیش چشم افکار عمومی جهان قرار داد. سال‌هاست غربی‌ها تلاش می‌کنند با قدرت رسانه‌ای، تصویری غیرواقعی از فرهنگ و اخلاق خود به دنیا ارائه دهند. در واقع آنچه ما از رعایت قوانین و ارزش‌های اخلاقی در غرب می‌بینیم، ناشی از یک فرهنگ اخلاقی و معنوی نیست. اخلاق یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های ارزیابی منزلت یک جامعه محسوب می‌شود و زیور وجود انسان است. در ارزیابی یک جامعه، نخستین گزینه اخلاق در روابط اجتماعی با یکدیگر و در روابط اجتماعی با دیگران است. اتفاقاتی از جنس حوادثی که در حاشیه بازی انگلیس و ایتالیا شاهد بودیم، محک‌ها و معیارهای خوبی برای سنجش میزان فرهنگی بودن یک جامعه است. ما در روابط اجتماعی و فعالیت‌های فردی و جمعی و همچنین در حریم خانواده باید به یکسری از اصول اخلاقی پایبند باشیم. ما نباید برای رسیدن به پیروزی‌های موقت اصول اخلاقی را زیر پا بگذاریم و به ارزش‌های خود کم‌توجهی کنیم. برای اینکه اصول اخلاقی در همه عرصه‌ها نهادینه نشود، نیازمند ۲ عنصر هستیم؛ عنصر اول کار فرهنگی و آموزش تحت عنوان اخلاق حرفه‌ای است. در واقع باید اخلاق حرفه‌ای در ورزش، هنر و... را تقویت کنیم. این اخلاق حرفه‌ای بسیار کمک می‌کند برای پیشگیری از حوادثی که زینا و شایسته جوامع نیستند. عنصر دوم قانون است. ما در کنار کار فرهنگی برای ترویج یک اصل اخلاقی نیاز به قانون هم داریم. قوانین هم کمک می‌کند در حوزه پیشگیری موفقیت بیشتری داشته باشیم و هزینه‌های سخت دوران درمان را نداشتن باشیم. آنچه بیشتر در غرب به چشم می‌خورد و بعضاً به عنوان رفتار اخلاقی از آن تعبیر می‌شود، ناشی از قوانین بازاربازنده است نه ارزش‌های اخلاقی نهادینه‌شده. به هر حال این گونه حوادث ضمن اینکه چهره حقیقی فرهنگ جوامع غربی را نمایان می‌کند، بیدارباشی هم برای نخبگان ما است تا اهمیت اخلاق حرفه‌ای را درک کنند و برای آن برنامه‌ریزی داشته باشند. اخلاق ورزشی می‌تواند ویرتنی و نمایشگر یک فرهنگ باشد که اگر برای آن فکر و چاره‌ای اندیشیده نشود، می‌تواند به کلی تصویر یک کشور را در پیش چشم ناظران بین‌المللی دگرگون کند.

*نایب‌رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس

یادداشت

عنوان «قطاری که به جنوب می‌رود» با طرح بخشی از مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم که اتفاقاً زوایای آن بر همگان عیان است، بدون ارائه استانداردهایی برای ارزیابی و صرفاً به خاطر گرانی و سختی معیشت در ایران، چشم بر دیگر حقایق علمی - صنعتی کشور بسته و در نهایت توسعه و پیشرفت، کاملاً عقب‌مانده و توسعه‌نیافته معرفی می‌کند. وی در ادامه نیز با ناهمخوانی شمردن مطالبات ملت با مسئولان نظام از وجود یک شکاف عمیق میان آنها خبر می‌دهد. وی با جملات معنادار اما غیرمستدل از قبیل «هره خرد نکردن مسئولان برای مردم، تصور می‌کند وی در ادامه نیز با ناهمخوانی شمردن مطالبات عینی آنان از واقعیات جامعه»، روابط میان نظام و مردم و مسئولان به ۲ نگاه کلی و جزئی وجود تعارض میان آنها را آشکار می‌کند.

عنوان «قطاری که به جنوب می‌رود» با طرح بخشی از مشکلات معیشتی و اقتصادی مردم که اتفاقاً زوایای آن بر همگان عیان است، بدون ارائه استانداردهایی برای ارزیابی و صرفاً به خاطر گرانی و سختی معیشت در ایران، چشم بر دیگر حقایق علمی - صنعتی کشور بسته و در نهایت توسعه و پیشرفت، کاملاً عقب‌مانده و توسعه‌نیافته معرفی می‌کند. وی در ادامه نیز با ناهمخوانی شمردن مطالبات ملت با مسئولان نظام از وجود یک شکاف عمیق میان آنها خبر می‌دهد. وی با جملات معنادار اما غیرمستدل از قبیل «هره خرد نکردن مسئولان برای مردم، تصور می‌کند وی در ادامه نیز با ناهمخوانی شمردن مطالبات عینی آنان از واقعیات جامعه»، روابط میان نظام و مردم و مسئولان به ۲ نگاه کلی و جزئی وجود تعارض میان آنها را آشکار می‌کند.

قطاری که به بیراهه می‌رود

اراده منتج به اقدام مؤثر در رفع مشکلات جامعه را ندارند و توسل به مشکلات، بخشی از راه‌حل آنان برای برون‌رفت از بن‌بست پیش آمده است. ۲- در حالت بدبینانه متأثر از عملکرد گذشته اصلاح‌طلبان می‌توان گفت عصبی‌سازی مردم و فتنه‌افروزی علیه کلیت نظام از اهداف این یادداشت موارد مشابه است. برای نمونه عبدی سعی دارد با بزرگ‌نمایی آثار تحریم‌های آمریکا و متقابل تحقیر دستاوردهای متنوع کشور که اتفاقاً محصول تلاش‌های جمعی ملت و نتیجه حضور مؤثر فرزندان ملت و جوانان مؤمن و انقلابی در عرصه‌های مختلف است، پیشرفت‌ها را دروی، مثل واکسن، کالاش و ایستکی به خارج و موفقیت‌های متنوع نظامی را جزئیاتی قلمداد کند که ذاتاً برای مردم اهمیتی ندارد و در توهین آشکار به ملت ایران که همواره قدردان عوامل دست‌پاچه به این پیشرفت‌ها بوده و با افتخار آفرینی آنها احساس افتخار و عزت کرده است، ایرانیان را ملتی معرفی کند که چندین به این پیشرفت‌ها و دستاوردها توجه نداشته و قضاوت خود را تنها معطوف به کلیت وضع جامعه کرده است. شاید برای رد این نوع نگاه و تبیین تناقض‌گویی نویسنده یادداشت کافی است به ۳ نشیبه ملی اشاره کرد تا معلوم شود دستاورد قرار دادن نگاه کلی و جزئی مردم و مسئولان، اقدامی جز در جهت تیرنه امریکا از اعمال تحریم‌های ضدانسانی علیه ملت ایران نیست. حضور بی‌نظیر مردم در مراسم تشییع شهدای غواص، شهید حججی و شهید حاج‌قاسم سلیمانی تنها نمونه‌هایی از دل‌پستگی مردم به نظام و موفقیت‌های متنوع نظامی و امنیتی و خادمان آن عرصه‌هاست.

مردم با مسئولان به قاعده مغالطه و تعمیمی ناروا بوده که راه به جایی نخواهد برد. ۴- در پاسخ کوتاه به این نوع تبلیغات سوء که با پیشرفت‌های رخ داده در اقصی نقاط کشور می‌خواهد به تقبیح مقاومت ملت در برابر تحریم‌ها پردازد، می‌توان گفت اولاً برای ارزیابی کمی و کیفی میزان پیشرفت‌های یک کشور راهی جز تطبیق پیشرفت‌ها با شاخص‌ها و استانداردهای علمی وجود ندارد. قطعاً در سایه یک تقسیم‌بندی کاذب به نام «جزئی‌نگری مسئولان و کلی‌نگری مردم» نمی‌توان در این باره اظهار نظر کرد. مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای علم و فناوری صفر بوده در صنعت جز موتاز و در علم جز ترجمه، هنری نداشت. ۶- در خاتمه باید گفت مسأله مردم مدیران خسته، فرسوده و ناکارآمد است که همواره تلاش کرده‌اند ناکارآمدی و بی‌عملی و حتی بدعملی خود را به پنهان تحریم ببوشانند. مردم از اینکه ۸ سال عمر و سرمایه‌های که باید صرف غلبه بر تحریم‌ها می‌شد، صرف تلاش بی‌سرانجام از طریق نگاه خوش‌بینانه به آنی شد که چه با بیرون آوردن دستکش مخملین از دست‌های آهنین خود و چه با پوشاندن پنجه‌های آهنین خود در آن، زانوسی تحریم را بر گلوی مردم ایران قرار دادند تا راه نفس آنان را قطع کنند، گلابه دارند. ملت از اینکه برخی مسئولان تحت حمایت جریانی که امثال آقای عبدی وظیفه تفویض کرده در مقاصد سیاسی آنان را بر عهده دارند، پس از ۸ سال سوخت‌رسان قطاری بوده‌اند که با مقصد «هیچ» در سفر برجامی سرمایه‌های ملی را هدر داده، ناراقتصاد و رفتار انتخاباتی اخیر آنها نشان داد همچنان به کسانی که با شعار «ما می‌توانیم» بذر امید در دل‌هایشان می‌کارد و می‌خواهند و می‌توانند قطار انقلاب را از ریل بی‌سرانجام دل بستن به بیگانه خارج کنند، اعتماد دارند. این همان نگاه مشترکی است که مردم و مسئولان برای نیل به آینده روشن بدن چشم دوخته‌اند.